

Investigating the Appropriateness of the Content and Methods of Accounting Education (MA) with the Labor Market Required Skills: From the Perspective of Accounting PhD Students, University Professors and Members of the Iranian Society of CPAs

R. Jamei^{1*}

1. The faculty member of the University of Kurdistan and the official accountant.

بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (کارشناسی ارشد) با مهارت‌های موردنیاز بازار کار: از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران

رضا جامعی^{۱*}

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان و حسابدار رسمی

Abstract

Purpose:The research focuses on investigating the appropriateness of the content and methods of education accounting at the MA with the required skills in the job market.

Method:The statistic society is university professors, Accounting PhD Students and members of the Iranian Society of CPAs year 2016-2017. The current study in terms of research type went by applied and descriptive study. the data of this study was selected using stratified random sampling method according to the volume of each level of 658 people as a sample, and in the end, 458 questionnaires were collected. In this study, the questionnaire was used to collect data from the questionnaire. the research data were analyzed using spss statistical software. Analyzing the different perspectives from the range of statistical analysis, one-sided analyses test has been used. Content validity with respect to the opinions of a group of professors and experts, after the opinions of corrective actions they proved. In assessing their liability of the questionnaire, the Cranach's alpha test(0.76) was used.

Findings:Research results show that the educational content of the program is to prepare graduates for accounting, corporate accounting is appropriate for elementary tasks. But the content with the skills to prepare students for higher-level tasks such as auditing, planning and decision-making system is not adequate the participants.

Keyword: Education curricula, methods of education, job market

چکیده

هدف: هدف کلی این پژوهش بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد با مهارت‌های موردنیاز در بازار کار است.

روش: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل اساتید دانشگاه، دانشجویان مقطع دکترای حسابداری و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۹۶-۱۳۹۵ است. پژوهش حاضر از لحاظ نوع و ماهیت تحقیق، از نوع توصیفی و پیمایشی است. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم هر طبقه ۶۵۸ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردید و در نهایت ۴۵۸ پرسشنامه جمع‌آوری شده است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شدند. در نتیجه برای تجزیه و تحلیل اختلاف ناشی از دیدگاه‌های طیف جامعه آماری از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. روایی این ابزار با توجه به نظرات گروهی از اساتید و صاحب‌نظران، پس از اعمال نقطه‌نظرات اصلاحی آنان، به اثبات رسید و در ارزیابی پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ (۰,۷۶) استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محتوای آموزشی برنامه حسابداری جهت آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای انجام وظایف ابتدایی حسابداری شرکت‌ها مناسب است. لیکن این محتوا در آماده‌سازی دانشجویان برای انجام وظایفی با مهارت‌هایی در سطوح بالاتر مانند حسابرسی، طراحی سیستم و تصمیم‌گیری کافی و مناسب ناست.

کلید واژه‌ها: محتوای آموزشی، شیوه‌های آموزشی، بازار کار

Accepted Date: 2018/10/20

Received Date: 2018/02/01

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۱

مقدمه و بیان مسئله

آموزش یک امر بسیار مهم برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی و همچنین پیشرفت آموزش عالی به حساب می‌آید؛ و تأکید بر بهبود کیفیت و کارایی و نوآوری در زمینه عرضه آموزش باعث برطرف کردن و توسعه نیازهای فردی و انطباق با نیازهای جامعه و توسعه و رفع نیازهای آینده می‌شود (Wang, Liu, and Qin, 2018). نظام آموزشی حسابداری در هر کشوری با توجه به نیازهای بومی همان کشور تدوین می‌شود. چنانچه بریستون در این زمینه اظهار دارد که هر کشوری ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خودش را دارد و به احتمال زیاد هدف‌های نیازهای اطلاعاتی مدیران اقتصادی هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است در نتیجه هر کشوری باید سیستمی متناسب با نیازهای خود طراحی و اجرا کند (Nonahalnahr, Salteh, and Hamdollahi, 2014). تحقیقات متعددی در سنوات اخیر در حوزه علل ناکارآمدی آموزش‌های دانشگاهی حسابداری جهت آماده‌سازی دانشجویان انجام شده است که نتایج مربوط اغلب بر این موارد تأکید دارند که اولاً رشته حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفت‌های دیگر علوم بروز کرده و ثانیاً در شیوه آموزش و انتقال همین معلومات حسابداری به دانشجویان در دانشگاه‌ها نیز خلاءهای ملموسی وجود دارد. به عبارت ساده‌تر درحالی که از یک سو ما با مازاد نیروهای دارای مدرک دانشگاهی مواجه هستیم در سمت دیگر کارفرمایان ما در بازار از کمبود حسابداران متخصص شکایت می‌کنند. ازنجایی که فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و پایه مذکور فقط می‌بایست در بازار کار، آموخته‌های دانشگاهی خود را به کار بگیرند و اغلب نیاز به مهارت اضافی دیگری ندارند، از فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری که عمدتاً آموزش‌های دانشگاهی آن‌ها به شیوه صحیح دفترداری منحصر می‌شود، انتظار می‌رود که علاوه بر موارد مذکور چالش‌های مرتبط با پایگاه داده‌ها، نرم‌افزارهای کامپیوتری، قوانین مالیاتی، بیمه و غیره را نیز مدیریت نمایند (Salehi, Nasirzadeh, and Rostami, 2014). باین حال علیرغم نقش مؤثر حسابداری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی، جایگاه و موقعیت حسابداری در ایران به‌عنوان یک علم دانشگاهی و ابزار تصمیم‌گیری بنا به دلایلی مانند ابهام نقش علمی رشته حسابداری در حل مشکلات مالی و عدم وجود سازمان‌های مستقل حرفه‌ای غیردولتی و عدم ارتباط صنفی مستمر بین اعضای حرفه‌ای مناسب نیست و حتی آمارها نشان می‌دهد که بسیاری از دانشجویان تمایل خود را برای ادامه تحصیل و اشتغال در حرفه حسابداری از دست داده‌اند. (Rezaie, 2016) در نتیجه تحت نقش دوگانه دانش و عمل، ما باید استعداد‌های جامع و برنامه‌های کاربردی را پرورش دهیم و به بهینه‌سازی ساختاری و تخصیص منطقی در محیط آموزشی توجه بیشتری کنیم و به‌طور فعال نوآوری و اصلاح شیوه تدریس را موردبررسی قرار دهیم و استعدادهای حسابداری بیشتری را برای جامعه و بازار کار در عمل، آموزش دهیم (Zhang, 2018). ایجاد یک سیستم نظارت برای کیفیت آموزش (سیستم نظارت تدریس) بخش مهمی از هدایت و استانداردسازی سطح آموزش در دانشگاه‌ها و تنظیم کیفیت تدریس است و همچنین یک پیوند مهم برای تضمین پیشرفت صحیح در کار آموزش در کالج‌ها و دانشگاه‌ها محسوب می‌شود. معلمان جوان با احساس مسئولیت قوی و سطح بالای زمان با اعضای نظارت هماهنگ خواهند شد تا نظارت تدریس دوره‌های حرفه‌ای را در ابتدا، میانه و انتها بر عهده بگیرند؛ که این نظارت شامل نظارت بر یادگیری دانش آموز، نظارت بر مدیریت، نظارت بر مقالات و آزمون‌ها و نظارت بر پایان‌نامه‌ها است (Wang, Liu, and Qin, 2018). درواقع آموزش دانشجویان حسابداری بایستی به شکلی انجام گیرد که آنان را برای

خدمت به سازمان‌ها در حال و آینده آماده سازد. وجود فاصله احتمالی در حسابداری مدیریت میان نظر و عمل، ممکن است بیانگر آن باشد که اساتید دانشگاه آخرین روش و مفاهیم حسابداری مدیریت را آموزش نمی‌دهند و یا مفاهیم و روش‌های سنتی را از برنامه آموزشی خود حذف کرده‌اند (Novin, Person, and Sedge, 1990). در نتیجه نیاز است که آموزش‌ها و سیستم‌های حسابداری در دانشکده‌های محلی و دانشگاه‌ها اصلاح گردد که بر این اساس (Wang, Liu, and Qin, 2018) دلایلی را برای اصلاح آموزش و سیستم حسابداری بیان می‌کنند که به شرح زیر بیان است: ۱) عدم انطباق عرضه و تقاضای فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری، به نظر آن‌ها میزان عرضه حسابداران عمومی بیشتر میزان تقاضا برای آن‌ها است و همچنین عرضه حسابداران ارشد کمتر از نیاز جامعه است به طوری که انتظار می‌رود تا پنج سال آینده جامعه نیاز بیشتری به مدیران ارشد مالی داشته باشد. ۲) تأمین ناکافی پرسنل‌های حسابداری، آن‌ها یکی از دلایل اصلی اصلاح سیستم حسابداری را عرضه حسابداران کم کیفیت و غیر کارآمد می‌دانند. به نظر آن‌ها حسابداران ممکن است در آینده با کشور-های خارجی معامله کنند در نتیجه باید روش معامله با کشورهای خارجی را به خوبی یاد بگیرند و همچنین بتوانند اطلاعات حاصل از فن‌آوری‌های جدید را به خوبی پردازش کنند تا با توسعه داده‌های بزرگ و فن‌آوری جدید. اطلاعات حسابداری مالی بتوانند با دیگران در این عرصه به رقابت بپردازند در نتیجه جامعه به حسابدارانی نیاز دارد که هم در زمینه حسابداری و هم در زمینه فن‌آوری اطلاعات ارزش مهارت کافی برخوردار باشند. حسابداران قادر به تصمیم‌گیری و مدیریت هستند. آن‌ها با استفاده گسترده از سیستم اطلاعات حسابداری رایانه‌ای می‌تواند اکثر کارهای حسابداری را کامل کند و همچنین اطلاعات حسابداری بیشتری را ارائه دهد. ۳) روش‌های منسوخ‌شده آموزش و کارایی و کیفیت پایین آموزش حسابداری، به نظر آن‌ها دانشگاه‌ها و دانشکده‌های محلی منبع عناصر منسوخ‌شده آموزشی هستند و از لحاظ کارایی و کیفیت آموزش در سطح پایینی قرار دارند. معلمان، سیستم آموزشی و امکانات آموزشی از عناصر اصلی تولید آموزش محسوب می‌شوند که این‌ها دقیقاً کاستی‌های تدریس حسابداری در دانشگاه‌ها به حساب می‌آید. در حال حاضر بسیاری از معلمان دانشگاهی به مدرک دکتری و دستاوردهای دانشگاهی نیاز دارند. علاوه بر این، از آنجاکه ترویج عناوین حرفه‌ای معلمان دانشگاهی اصولاً مبتنی بر تحقیقات نظری، بسیاری از معلمان بیشتر زمان و انرژی خود را در تحقیقات نظری صرف می‌کنند و غافل از مطالعه روش‌های کلاسی و مدل‌های آموزشی می‌شوند. همچنین سیستم برنامه درسی قدیم نیز یک دلیل مهم برای کارایی پایین حسابداران است که اکثر حسابداران کشور از همان سیستم استفاده می‌کنند. همچنین به طور کلی، دانشگاه‌ها و دانشکده‌های محلی دارای توانایی محدودی برای به دست آوردن بودجه آموزش هستند، بنابراین آن‌ها بیشتر مایل به سرمایه‌گذاری محدود در رشته‌های علمی و مهندسی هستند که می‌توانند منافع خود را در کوتاه‌مدت تأمین کنند. در نتیجه به طور واضح مشخص است که سرمایه‌گذاری برای تدارک منابع برای حسابداری کافی نیست و تخصیص غیرمنطقی منابع آموزشی به حسابداری نسبت به سایر رشته‌ها باعث کم‌کارآمدی و کیفیت پایین آموزش در این حرفه خواهد شد.

محتوای دروس حسابداری باید بر اساس تقاضای بازار، نه بر اساس علایق دانشگاه تعیین شود. هدف علم حسابداری آموزش حسابداری نیست بلکه آموزش به دانشجویانی است که حسابدار می‌شوند. پیشرفت‌های فنی و علمی در زمینه حسابداری از یک طرف و رشد شتابان اقتصادی از طرف دیگر این نیاز را به وجود آورده است

که حرفه حسابداری به سرعت خود را با شرایط تطبیق دهد و به عنوان یک دانش تخصصی مطرح گردد، این تحولات ناشی از تغییراتی است که در نیازهای جامعه به وجود آمده و پاسخ ندادن به موقع به تغییراتی که در نیازهای جامعه به وجود می‌آید نتایج مخربی را به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال با شکل‌گیری انقلاب صنعتی در دنیا و افزایش رقابت بین تولیدکنندگان و نیاز شدید مدیران به اطلاعات مربوط به هزینه‌های تولیدی، دانش حسابداری موضوع جدیدی تحت عنوان حسابداری بهای تمام شده را به دامنه‌ی خود اضافه نمود و متناسب با نیازها گسترش یافت (Bahrami nasab and Akhlaghi, 2012). با توجه به تغییرات محیط تجاری و پیشرفت سریع فناوری و جهانی شدن بازارها، نقش حسابداران کنونی از تهیه اطلاعات به تهیه و تفسیر اطلاعات گوناگون اعم از مالی و غیرمالی برای استفاده‌کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی تغییر یافته است (Dehghan dehnavi, Mahmood, and Saba, 2012). از این رو آموزش‌های دانشگاهی باید فارغ‌التحصیلان را به گونه‌ای آماده نماید که بتوانند وظایف زیر را انجام دهند: ۱- برای ورود به حرفه حسابداری و حسابرسی موفق باشند. ۲- مهارت‌های اولیه لازم جهت تداوم در حرفه حسابداری و حسابرسی را به گونه‌ای داشته باشند که حرفه‌ای باشند. ۳- فارغ‌التحصیلان باید از دانش‌های زمینه‌ای و مهارت‌هایی برخوردار باشند تا بتوانند برای ایفای نقش سازمانی و تعامل‌های فردی و گروهی در طول عمر کاری خود در مشاغل مختلف آماده باشند (Rezai and Ghorbani, 2012).

دانشی که از حسابدار در بازار کار انتظار می‌رود از اعمال ساده‌ای همچون دفترداری و هزینه‌یابی شروع می‌شود تا به مهارت‌های حرفه‌ای و پژوهشی مانند حسابرسی و طراحی سیستم حسابداری ادامه می‌یابد. (Rezaie, 2016) با توجه به ماهیت عملی بودن حسابداری، ما باید نقش مهم آموزش در عمل را از نقطه نظر ایدئولوژیک به رسمیت بشماریم. در نتیجه باید زمان آموزش‌های حسابداری به شکل عملی افزایش یابد و بین آموزش‌های عملی و تئوری توازن برقرار شود و در واقع جنبه تئوری و عمل با هم ترکیب شود. در عین حال، در تدریس عملی، اساتید باید دانشجویان را به درستی هدایت کنند و همچنین تأکید دانشجویان را بر جنبه‌های عملی را بیشتر و الزامات سخت‌گیرانه در تدریس را بهبود بخشند تا دانشجویان بتوانند از طریق تمرین درس‌های خوبی کسب کنند و به مهارت بالادست یابند (Yang, Zhang, and Liang, 2018).

در نتیجه روش‌های متفاوتی برای آموزش حسابداری وجود دارد که شامل روش‌های سنتی و روش‌های مدرن است. روش‌های سنتی به روش‌هایی گفته می‌شود که سال‌ها مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها از آن استفاده کرده و در حال حاضر هم یکی از متداول‌ترین روش‌ها محسوب می‌گردند برخی از این روش‌ها عبارتند از: حفظ و تکرار، سخنرانی، کتاب محوری و ... و روش‌های نوین آموزش حسابداری شامل روش یادگیری مشارکتی، روش واحد پروژه و آموزش با تکنولوژی‌های روز دنیا است (Salehi, Rezaie, 2016). (Nasirzadeh, and Rostami 2014) در پژوهشی به بررسی چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که پاسخ‌دهندگان معتقدند سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته معلومات کافی درباره نحوه به کارگیری و بهره‌مندی از عمده ابزارهای تکنولوژی اطلاعاتی روز را به دانشجویان انتقال دهد. (Nonahalnahr, Salteh, and Hamdollahi, 2014) در پژوهشی به بررسی ارزیابی تأثیر آموزش حسابداری (آموزش دانشگاهی و دوره‌های ضمن خدمت) و تجربه بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که آموزش حسابداری (آموزش دانشگاهی و

دوره‌های ضمن خدمت) بر قضاوت حرفای حسابداران تأثیر مثبت و معناداری دارد. (Baghumian, and Rahimi Baghi, 2011) در پژوهشی به بررسی موانع پیشرفت آموزشی در ایران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عدم استقبال رتبه‌های برتر آزمون‌های ورودی به دلیل عدم گزینش علمی مناسب دانشجویان در بدو ورود به رشته تحصیلی حسابداری، چند شغله بودن استادان رشته حسابداری و نیز عدم تسلط استادان و دانشجویان حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، به‌عنوان موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران مورد تأیید قرار گرفته است. (Bashiri manesh, and Shahrokhi, 2012) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی درک دانشجویان حسابداری از تجربه یادگیری دروس دانشگاهی به این نتیجه رسیدند که دانشجویان رشته حسابداری دارای سطح مناسبی در رابطه با مبانی حسابداری برخوردارند ولی سطح یادگیری آن‌ها در رابطه با سایر مباحث مربوط به حرفه یا مسائل روز حرفه مناسب نیست (Mojtahedzadeh, and Alawi Tabari, 2010) به بررسی دانش و مهارت‌های موردنیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری (بررسی موردی استان آذربایجان غربی) پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که به‌رغم تفاوت در میانگین کفایت ارائه دانش و مهارت‌ها با برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری در ارائه دانش و مهارت‌های موردنیاز به دانش‌آموختگان، کفایت لازم را ندارد. همچنین شکاف بین سطح اهمیت دانش و مهارت‌ها سطح کفایت ارائه آن با برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری، معنی‌دار است. (Vakilifard and Rahnamay Roodposhti, 2012) در پژوهشی به بررسی و تعیین دیدگاه‌های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویت‌های گرایش‌های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی حسابداری، میزان واحدهای دروس تخصصی و مؤثرترین روش تدریس حسابداری به‌منظور تدوین چارچوبی برای برنامه‌ریزی رشته حسابداری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی با کمک داده‌های فازی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های طیف جامعه آماری نسبت به پنج مؤلفه موردبررسی فوق‌الذکر تفاوت معناداری وجود داشته و درحالی‌که مدرسین حسابداری به حسابداری مالی و دانشجویان مقاطع تکمیلی به حسابداری مدیریت بیشتر بها می‌دادند، شاغلین حرفه، پرداختن به مباحث حسابرسی را اولویت مباحث آموزشی در راستای تأمین نیازهای جامعه مالی ایران عنوان کرده‌اند. (Arab Mazar yazdy, and Hojat sani, 2007) در زمینه ضرورت بازنگری جایگاه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه اظهار می‌دارد که برنامه آموزش حسابداری نیاز به اصلاحات جدی در این زمینه دارد و به هر شکل ممکن باید دروس مختلفی در برنامه سطوح کارشناسی ارشد حسابداری بر پایه مباحث مربوط به سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری گنجانده شود. (Mashayekhi and Noravesh, 2005) در پژوهش خود به تعیین نیازها و اولویت‌های آموزشی حسابداری مدیریت و بررسی فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری پرداخته و نتیجه‌گیری نموده که شاغلین حرفه در مورد روش‌های مورد استفاده در سازمان بیشتر به روش‌های سنتی حسابداری مدیریت توجه داشته‌اند و در مورد مهارت‌های موردنیاز برای فارغ‌التحصیلان جدید حسابداری که وارد مشاغل حسابداری مدیریت می‌شوند از دیدگاه هر دو گروه مورد مطالعه، مهارت‌های حل مسئله را بالاترین اولویت بیان داشته‌اند. (Noravesh, 2003) بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده

برای دوره کارشناسی رشته حسابداری پرداخت. وی عناصر اصلی فرآیند تغییر برنامه درسی یعنی تشخیص نیاز برای تغییر، مشخص کردن تغییرات موردنیاز، طراحی برنامه، کسب پذیرش عمومی، اجرای برنامه و سنجش نتایج را مورد تحلیل قرار داد و بیان کرد که برای پاسخگویی به نیازهای محیط در حال تغییر در برنامه درسی دانشگاهی باید تغییراتی لحاظ و برنامه‌نوسازی شود.

(Yang, Zhang, and Liang, 2018) در پژوهشی به بررسی اصلاحات و نوآوری و آموزش‌های دستی حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که آموزش دانش‌آموزان در ابتدا باید منطبق با نیازهای جامعه باشد و با انجام کارآموزی و تمرین‌های مستمر با آن‌ها اجازه دهید که بتوانند روند واقعی مالی شرکت-های بزرگ را شبیه‌سازی کنند تا پس از فارغ‌التحصیلی توانایی انجام کارهای مالی را داشته باشند. (Sugahara and Lau, 2018) در پژوهشی به تأثیر یادگیری مبتنی بر بازی مدیریت به‌عنوان یک ابزار یادگیری تجربی بر آموزش حسابداری و کسب‌وکار پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بازی مدیریت خود به‌عنوان یک ابزار یادگیری تجربی برای آموزش حسابداری و کسب‌وکار است. (Wang, Liu, and Qin, 2018) در پژوهشی به بررسی نوآوری و شیوه آموزش کاربردی استعدادهای حسابداری در دانشکده‌های محلی و دانشگاه‌ها بر اساس اصلاحات جانبی عرضه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دانشکده‌ها و دانشگاه‌های محلی باید به سمت نیازهای اجتماعی هدایت شوند و مهارت‌های موردنیاز جامعه را پرورش دهند، زیرا فقط از این راه می‌شود در رقابت شدید پیشرفت کرد. دانش حرفه‌ای و برخی مهارت‌های عملی عمدتاً از طریق یادگیری در کلاس درس به دست می‌آید، درحالی‌که تسلط دانش حرفه‌ای و پرورش توانایی‌های نوآوری عمیق از طریق مشارکت در مسابقات رشته‌ای سطح بالا باید حاصل شود. این رقابت نه تنها کمک می‌کند تا مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموزان را افزایش دهد، بلکه رقابت اصلی آن‌ها را در عمل بهبود می‌بخشد، بلکه کمک می‌کند تا گزینه‌های بیشتری برای توسعه حرفه‌ای دانش‌آموزان فراهم شود (Tan, 2012) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر آموزش حسابداری و استدلال اخلاقی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که تحصیلات دانشگاهی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان بخصوص در افشاء اطلاعات مؤثر است و همچنین تحصیلات دانشگاهی در آماده‌سازی دانشجویان حسابداری برای ورود به حرفه حسابداری کمک می‌کند. (Ragothaman, Lavin and Davies, 2007) با مطالعه نظر شاغلان در حرفه و استادان دانشگاه درباره دانش و مهارت‌های موردنیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری بیان کردند که دانش‌آموختگان حسابداری به‌منظور موفقیت در تجارت الکترونیکی به دانش عمومی، فناوری، دانش سازمانی و دانش تجاری نیاز دارند. از نظر شاغلان در حرفه، مهارت‌های ذهنی و از نظر استادان دانشگاه، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین‌فردی، دانش حسابداری و توانایی رهبری از اولویت برخوردار بودند (paaisey, 2010) نقش دوره کارآموزی را در توسعه مهارت‌های دانشجویان حسابداری موردبررسی قرار داد. وی با مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان شرکت‌کننده در دوره کارآموزی و دانشجویانی که در این دوره شرکت نکرده بودند، بیان کرد که دوره کارآموزی ابزار آموزشی سودمندی در ایجاد مهارت‌های انتقال‌پذیر در دانشجویان است؛ بنابراین گنجانیدن دوره کارآموزی در برنامه درسی دانشگاهی حسابداری می‌تواند سودمند باشد. همچنین معایب و محاسن دوره کارآموزی از دیدگاه دانشجویان و شاغلان در حرفه نیز موردبررسی قرار گرفت. (Line, Xiong and Liu, 2005) با بررسی نظر شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه

و دانشجویان، به منظور تعیین دانش و مهارت‌های موردنیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری بیان کردند که موقعیت کنونی آموزش حسابداری در چین برای ایجاد دانش و مهارت‌های موردنیاز راضی‌کننده نیست. پاسخ‌دهندگان از ارائه دانش و مهارت‌های موردنیاز توسط برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری، رضایت نداشتند. به‌عنوان نتیجه لین و همکاران بیان کردند که اصلاح برنامه آموزش حسابداری، نه تنها ضروری بلکه الزام‌آور است. (Blazey, Ashiabor and Janu, 2008) دیدگاه‌های شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه و دانش‌آموختگان رشته حسابداری را به‌منظور تعیین مهارت‌های اساسی برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری را به‌منظور تعیین مهارت‌های اساسی برای دانش‌آموختگان این رشته موردبررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که به‌رغم تأکید بر اهمیت مهارت‌های ذکرشده توسط سه گروه، بین دیدگاه‌های آنان تفاوت‌هایی وجود دارد. شاغلان در حرفه بر داشتن مهارت‌های فکری و بین‌فردی، دانش‌آموختگان رشته حسابداری بر داشتن مهارت‌های ارتباطی فکری و بین‌فردی، دانش‌آموختگان رشته حسابداری بر داشتن مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی و استادان دانشگاه بر داشتن مهارت‌های فکری، خودمدیریتی، ارتباطی و بین‌فردی تأکید فراوان داشتند. مهارت‌هایی که از یک حسابدار انتظار می‌رود برآن تسلط داشته باشد. شامل مهارت‌های پایه، حسابداری مؤسسات و شرکت‌ها و همچنین مهارت‌های فنی که شامل بودجه‌بندی و حسابداری مدیریت است و مهارت‌های حرفه‌ای که وظایف حسابرسی، تصمیم‌گیری و گزارشگری را شامل می‌شود و مهارت‌های پژوهشی که مهارت‌های تحلیلی و طراحی سیستم و مشاوره‌ی حرفه‌ای مستقل را در بر می‌گیرد. این مهارت‌ها را می‌توان با توجه به پیچیدگی و توانایی تحلیل آن‌ها در نظر گرفت.

در نتیجه هدف اصلی پژوهش این است که مشخص شود، محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری تا چه اندازه در آماده‌سازی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد برای ورود به بازار کار مطابق با شرایط اقتصادی و تکنولوژی امروزی موفق بوده است؛ و همچنین مشخص نمودن روش‌های تدریسی که در یادگیری و به‌کارگیری حسابداری تأثیرگذارند و ارائه پیشنهادهایی که در نیل به این اهداف مؤثر است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب گفته شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تعیین می‌شود:

فرضیه اول: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پایه شامل حسابداری شرکت‌ها و مؤسسات، وجود ندارد.

فرضیه دوم: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های تکنیکی مانند حسابداری مدیریت و بودجه‌بندی، وجود ندارد.

فرضیه سوم: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های حسابرسی، تصمیم‌گیری و گزارشگری، وجود ندارد.

فرضیه چهارم: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پژوهشی شامل تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم حسابداری، وجود ندارد.

روش شناسایی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی کردن محتوای آموزش حسابداری (کارشناسی ارشد) متناسب با نیاز بازار کار است که در این ارتباط اطلاعات دروس ارائه شده در دانشگاه‌های دولتی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور تدوین مبانی نظری و مفاهیم اساسی موضوع این پژوهش، محقق از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری سایر اطلاعات مورد نیاز پژوهش از روش میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است؛ و برای آزمون پایایی پژوهش از روش آلفای کرانباخ استفاده شد؛ و با استفاده از آنالیز واریانس فرضیه‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند. جامعه مورد مطالعه شامل اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، دانشجویان مقطع دکترای حسابداری و اساتید دانشگاه است. جامعه آماری این پژوهش به ۳ طبقه تقسیم شده و با توجه حجم هر طبقه و با استفاده از جدول کرجسی - مورگان سه گروه نمونه انتخاب و ۴۵۸ پرسشنامه جمع‌آوری شدند. دوره پژوهش در طی سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده است. اعتبار محتوایی پرسشنامه در مرحله ممیزی از طریق توزیع مقدماتی پرسشنامه اولیه، بین گروهی از شاغلین در حرفه حسابداری در مؤسسات مختلف و نیز گروهی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها مورد آزمون قرار گرفت. پاسخ‌های دریافت شده دلگرم‌کننده و آموزنده بود. در نتیجه تغییرات کوچکی در بعضی از اقلام پرسشنامه داده شد تا قابلیت درک بیشتری پیدا کند و به درجه بالایی از اعتبار محتوایی و قابلیت اطمینان دست یابد. پرسشنامه نهایی پژوهش متشکل از سه قسمت اصلی است. در قسمت اول که در ارتباط با اطلاعات جمعیت‌شناسی است، از پرسش‌شوندگان خواسته شد که به سؤالاتی در ارتباط با اطلاعات شخصی خود پاسخ دهند. قسمت دوم در ارتباط با تناسب محتوای آموزش حسابداری با مهارت‌های حسابداری است. از آنجاکه ممکن بود هر یک از پرسش‌شوندگان جزئیات هر درس را به خاطر نداشته باشند، برای مقابله با این مشکل بالقوه، علاوه بر نام درس، شرح مختصری از محتوای هر درس نیز ارائه شد. در جدول شماره ۱ لیست دروس ارائه شده در مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری آمده است. در قسمت سوم پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان در خصوص نظر آنان در مورد برنامه‌ها و روش‌های تدریس جدید سؤال می‌شود؛ که مشخص شود به نظر آن‌ها چه تغییراتی در برنامه آموزشی جهت آموزش و ارتقاء سطح علمی تأثیرگذار است؛ و همچنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار spss21 استفاده شده است.

جدول (۱): لیست دروس ارائه شده در مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری

تعداد واحد	نام درس
۳	سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری
۳	سیستم‌های حسابداری
۳	حسابداری دولتی پیشرفته
۲	حسابرسی پیشرفته
۳	تئوری حسابداری ۱
۳	حسابداری مدیریت
۳	تصمیم‌گیری در مسائل مالی
۳	تئوری حسابداری ۲
۲	مسائل جاری حسابداری
۳	بررسی موارد خاص در حسابداری
۴	پایان‌نامه

روایی و پایایی پرسشنامه

در این بررسی از روایی محتوایی استفاده شده است. برای برآورد میزان روایی پرسشنامه و سؤالات مطروحه در آن، از نظر خبرگان، کارشناسان و اساتید مسلط به موضوع پژوهش و پرسشنامه استفاده می‌شود. برای بررسی سؤالات نظرسنجی و لیکر تی با فواصل یکسان بیشتر از روش آلفا کرونباخ استفاده شد؛ بنابراین برای بررسی پایایی این پرسشنامه هم از این روش استفاده شد. بررسی مقادیر پایایی متغیرها و پایایی ابعاد نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پرسشنامه ۰/۷۶ است. با توجه به اینکه پایایی فراتر از ۰/۷۰ مطلوب است، بنابراین با توجه به نتایج جدول شماره (۲) می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

جدول (۲): بررسی میزان پایایی به روش همسازی درونی (آلفای کرونباخ)

متغیر	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
تناسب محتوی و شیوه‌های آموزش حسابداری	۴۵	۰/۷۶

همچنین تعداد پرسشنامه‌های ارسالی و دریافتی به شرح زیر است:

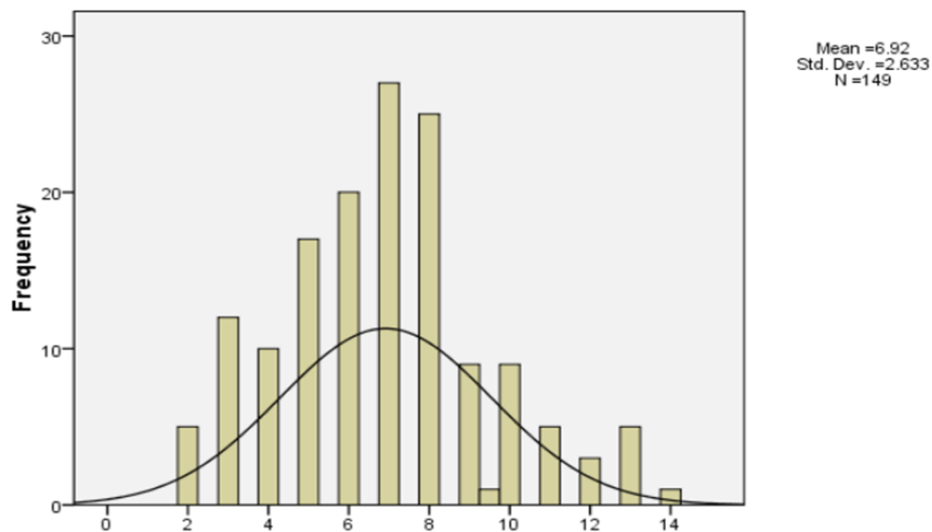
جدول (۳): تعداد پرسشنامه‌های ارسالی و دریافتی از آزمودنی‌ها

نمونه	تعداد پرسشنامه‌های ارسالی	تعداد پرسشنامه‌های دریافتی	تاریخ دریافت
اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران	۲۵۰	۱۵۸	۱۳۹۵/۱۲/۵

۱۳۹۵/۱۲/۱۵	۱۷۰	۲۵۰	دانشجویان مقطع دکترای حسابداری
۱۳۹۶/۰۲/۱۰	۱۳۰	۱۵۸	اساتید دانشگاه

از آنجایی که تعداد گروه‌های آزمودنی بیش از دو گروه است برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده می‌کنیم لذا قبل از آن پیش‌فرض‌های مربوط به این آزمون را بررسی می‌کنیم. (۱) فرض نرمال بودن داده‌ها (۲) همگون بودن واریانس‌ها

پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها



توزیع داده‌های پژوهش

پیش‌فرض همگونی واریانس‌ها

جدول (۴): نتیجه همگونی واریانس‌ها

لوین	Df1	Df2	سطح معناداری
۲/۳۱۵	۳	۱۴۵	۰/۰۷۸

همان‌طور که مشاهده می‌شود آزمون لوین معنادار نشده که این امر حاکی از همگونی واریانس‌ها است لذا بعد از اطمینان از پیش‌فرض‌های آزمون در این مرحله از آزمون واریانس یک‌طرفه برای فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌کنیم.

جدول (۵): آمار توصیفی

نمونه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران	۱۵۸	۵/۱۱۴۲	۲/۶
دانشجویان مقطع دکترای حسابداری	۱۷۰	۶/۷۶۲۵	۲/۰۸
اساتید دانشگاه	۱۳۰	۷/۶۵۸۴	۳/۰۲

یافته‌های پژوهش

در این بخش آزمون فرضیه‌های پژوهش انجام می‌گیرد که برای رسیدن به این مهم از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

فرضیه اول: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پایه شامل حسابداری شرکت‌ها و مؤسسات، وجود ندارد.

جدول (۶): آنالیز واریانس ANOVA

معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجات آزادی	مجموع مربعات	بین گروه‌ها
		۶۶۴,۰۷۴	۲	۳۴۲۲,۷۴۶	بین گروه‌ها
۰,۶۲۷	۴,۱۷۵	۵۳,۴۲۸۴	۳۶۴	۷۴۴۰,۵۵۱	درون گروه‌ها
			۳۶۶	۷۷۸۲۶,۲۹۷	جمع

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود با توجه به اینکه $p\text{-value} > 0.05$ است آزمون در سطح خطای ۰,۰۵ معنادار نبوده و فرض آماری پذیرفته می‌شود. در نتیجه بین دیدگاه دانشجویان دکتری حسابداری، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی در مورد تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پایه شامل حسابداری شرکت‌ها و مؤسسات تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه دوم: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های تکنیکی مانند حسابداری مدیریت و بودجه‌بندی، وجود ندارد.

جدول (۷): آنالیز واریانس ANOVA

معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجات آزادی	مجموع مربعات	بین گروه‌ها
۰,۰۰۴۶	۳,۸۳۶	۶۶۴,۰۷۴	۲	۲۶۵۶,۲۹۶	بین گروه‌ها

درون گروه‌ها	۶۱۳۷۷,۳۶۲	۳۵۵	۱۷۳,۱۰۰
جمع	۶۳۹۳۳,۶۵۷	۳۵۷	

نتایج تحلیل واریانس فرضیه دوم، در جدول ۷ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی مورد تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های مانند حسابداری مدیریت وجود دارد. یعنی با توجه به احتمال آماره $F(0,046)$ این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است؛ و این موضوع دلالت بر رد فرضیه دوم را دارد.

فرضیه سوم: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های حسابرسی، تصمیم‌گیری و گزارشگری، وجود ندارد.

جدول (۸): آنالیز واریانس ANOVA

معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجات آزادی	مجموع مربعات	
			۲	۱۷۶۷۹,۸۲۸	بین گروه‌ها
۰,۰۰۱	۱۵,۹۰۰	۴۴۱۹,۹۵۹	۳۵۳	۸۸۰۲۶,۲۴۷	درون گروه‌ها
		۳۷۷,۰۹۸۱	۳۵۵	۱۰۵۷۰۶,۶۷۵	جمع

با توجه به مقادیر جدول شماره ۸ مقدار $p\text{-value} < 0.05$ است آزمون در سطح خطای ۰,۰۵ معنادار بوده و فرض آماری پذیرفته نمی‌شود. در نتیجه بین دیدگاه دانشجویان دکتری حسابداری، اساتید دانشگاه و حسابداران رسمی در مورد تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های حسابرسی و تصمیم‌گیری و گزارشگری تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم تأیید نمی‌شود.

فرضیه چهارم: تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پژوهشی شامل تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم حسابداری، وجود ندارد.

جدول (۹): آنالیز واریانس ANOVA

معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجات آزادی	مجموع مربعات	
			۲	۸۱۱,۹۴۱	بین گروه‌ها
۰,۰۰۱	۵,۷۱۳	۲۱۷۷,۹۸۶	۳۵۳	۱۳۴۵۸۶,۴۲۵	درون گروه‌ها
		۳۸۱,۲۶۵	۳۵۵	۱۴۳۲۲۹۸,۳۶۶	جمع

با توجه به اینکه $p\text{-value} < 0.05$ است آزمون در سطح خطای ۰,۰۵ معنادار بوده و فرض آماری پذیرفته نمی‌شود. در نتیجه بین دیدگاه دانشجویان دکتری حسابداری، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی در مورد تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های

پژوهشی شامل تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم حسابداری تفاوت معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه چهارم تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه گیری

آموزش نقش و اهمیت زیادی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، به ویژه آموزش عالی دارد. در نتیجه به منظور انطباق با نیازها و توسعه جامعه، ضروری است که دانشگاه‌ها اصلاحاتی را در بخش تأمین آموزش و پرورش جامعه انجام دهند. تأکید بر بهبود کیفیت، کارایی و نوآوری در آموزش می‌تواند تا بتواند نیازهای فردی را برآورده سازد و آن را با نیازهای آینده جامعه سازگار کند. دانشگاه‌ها و دانشکده‌های محلی باید اهداف آموزشی خود را تنظیم کنند و با توجه به نظام برنامه درسی آن را تقویت کنند و توانایی خود را در ترکیب تئوری با عمل تقویت کنند. دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها باید بر اساس نیازهای اجتماعی هدایت شوند و پرورش دهنده‌ی استعداد‌های مورد نیاز جامعه باشند تا از این طریق بتوانند به توسعه بهتر و رقابت شدید دست یابند. تدریس حسابداری سنتی عمدتاً به دانش آموزان توانایی ثبت داده‌های اقتصادی را می‌دهد و متخصصانی را آموزش می‌دهد که قادر به پردازش اطلاعات اقتصادی هستند، اما با رسیدن عصر اطلاعات بزرگ، کار حسابداری از تأکید سنتی بر حسابداری و نظارت بر استخراج و کاربرد عمیق داده‌ها تغییر کرده است و در نتیجه ماهیت کارکرد حسابداری در سال‌های اخیر دچار تغییر شده است؛ بنابراین، برای تدریس حسابداری در دانشگاه‌ها که استعدادهای حسابداری را صادر می‌کنند و تدریس حسابداری در دانشکده‌های حرفه‌ای بالاتر، نیاز به آموزش استعدادهایی با کیفیت بالاتر و توانایی کاری بالاتر است. در حال حاضر، داده‌های بزرگ به هر جنبه از جامعه نفوذ کرده‌اند و در زمینه اقتصادی، شرکت‌های بیشتری حسابداری خود را به روز کرده‌اند و شروع به استفاده از نرم‌افزار حسابداری هوشمند کرده‌اند که این روش‌ها در آموزش‌های حسابداری سنتی موجود نیستند. با این حال در سال‌های اخیر بحث‌های فراوانی بین صاحب‌نظران رشته‌ی حسابداری مبنی بر اینکه در حال حاضر حسابداران برای ورود به بازار کار و اتخاذ شغل حرفه‌ای به یک مجموعه وسیع‌تری از مهارت‌ها نیاز دارند مطرح گردیده است و این امر به برنامه آموزشی و محتوای آموزش آنان بستگی دارد. متأسفانه در دانشگاه‌ها هنوز بر اساس شیوه‌های سنتی دانش حسابداری در حال تدریس است در صورتی که حسابداری تحت تأثیر زمینه‌های اقتصادی، تکنولوژی، سیاسی، فرهنگی و ... است باید محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری متناسب با تحولات روز اصلاح گردد. پژوهش حاضر شامل چهار فرضیه است که در ادامه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پایه شامل حسابداری شرکت‌ها و مؤسسات، وجود ندارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های تکنیکی مانند حسابداری مدیریت و بودجه‌بندی، وجود ندارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی‌شود. با توجه به رد فرضیه دوم، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که محتوا و شیوه‌های آموزش برای آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار مناسب نیست؛ که با نتایج پژوهش (Vakilifard and Rahnamay

(Roodposhti, 2012) سازگاری دارد. نتایج حاصل از آزمون سوم فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های حسابرسی، تصمیم‌گیری و گزارشگری، وجود ندارد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود. عدم تأیید فرضیه سوم نشان می‌دهد که این نتیجه با نتیجه پژوهش (Setaysh and Mansori, 2012) سازگاری دارد؛ و سرانجام نتایج حاصل از آزمون چهارم پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان در ارتباط با تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (مقطع کارشناسی ارشد) با یادگیری مهارت‌های پژوهشی شامل تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم حسابداری، وجود ندارد. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش تأیید نمی‌شود. در نتیجه با توجه به آزمون چهارم فرضیه این پژوهش می‌توان بیان کرد که، نتیجه این پژوهش با نتیجه پژوهش (Noravesh, Rostamyani and Dadgar, 2012) که دریافتند برنامه آموزش حسابداری (کارشناسی ارشد) از دیدگاه دانشجویان این رشته اثربخش ناست مطابقت دارد. به‌طور کلی با توجه مطالب گفته شده و نتایج آزمون فرضیه‌های این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که محتوای آموزشی دروس ارائه شده نمی‌تواند فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری را برای اتخاذ شغل‌هایی که به مهارت‌های سطح بالایی همانند تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم و همچنین مشاوره مالی نیاز دارند، آماده سازد.

قسمت سوم پرسشنامه درباره نظرات افراد برای ارتقاء برنامه آموزشی است. اکثر آن‌ها اشاره کرده بودن که روش‌های آموزش حسابداری اثربخش ناست و باید اصلاحات بسیاری در ساختار محتوای دوره، نوع درس و حجم مطالب و زمان پیش‌بینی شده صورت گیرد تا آموزش عالی در جایگاه مناسب نظری و عملی قرار گیرد. اساتید باید از روش‌های نوین تدریس و همچنین از ابزارهای تکنولوژی استفاده کنند تا مفاهیم دروس را بتوانند بهتر به فراگیران خود منتقل کنند (Arab Mazar yazdy and Hojat sani, 2007). همچنین همه افراد به نبودن دوره‌های کارآموزی در دوران تحصیلی خود اشاره کرده بودند چون دوره‌های کارآموزی می‌تواند به آن‌ها در درک بهتر مسائل حسابداری و حسابرسی بسیار کمک کند؛ و یکی دیگر از دلایل بیان شده کافی نبودن استادان زبده و نبود پژوهش‌های مناسب در این رشته است. (Mojtahedzadeh, and Alawi, 2010) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که برنامه آموزش حسابداری نیاز به تغییراتی دارد که مهم‌ترین آن اضافه کردن دوره کارآموزی به برنامه آموزشی است. برای برطرف کردن مشکلات فوق پیشنهاد می‌گردد:

- ۱) دوره کارآموزی حسابرسی به برنامه آموزشی اضافه گردد تا دانشجویان به صورت عملی با شرایط محیط کار آشنا شوند.
- ۲) دروس عملی در زمینه طراحی سیستم حسابداری و مشاوره مالی ارائه شود.
- ۳) اساتید از روش‌های نوین آموزش استفاده کنند؛ و سطح دانش خود را در زمینه فناوری‌های جدید افزایش دهند.
- ۴) ارتباط بیشتری بین دانشگاه و افراد شاغل در حرفه به وجود آید تا به این طریق نیز بر اثربخشی دوره‌های آموزشی حسابداری افزوده شود.
- ۵) به منظور افزایش کارایی فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری در جهت رفع نیازهای کنونی و آتی کشور ۲ گرایش حسابداری مالی و حسابداری مدیریت در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد ایجاد گردد.

همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در مورد راه‌های افزایش درک متقابل حسابداران حرفه‌ای و جامعه دانشگاهی از آموزش تئوری و عملی متون حسابداری و همچنین در مورد تأثیر محتوا و روش‌های آموزش حسابداری بر ایجاد توانمندی کارآفرینانه در دانشجویان بررسی‌هایی را انجام دهند.

References

- Arab Mazar yazdy, M. & Hojat sani, M. & Goli,A.(2007). "*Accounting Education in the Age of Information Technology*". Journal of Accounting, (190), 26-31[in Persian].
- Bahrami nasab,A. & Akhlaghi,M.R.(2012). "*Comparative study of accounting in different countries*". Tenth National Congress of Accountants, Al-Zahra University, 86-103 [in Persian].
- Bashiri manesh,N. & Shahrokhi,S.(2012). "*Understanding Accounting Student*". Tenth National Congress of Accountants, Al-Zahra University, [in Persian].
- Baghumian, R& Rahimi Baghi, A. (2011). "Barriers to the development of accounting education in Iran". Journal of Financial Accounting Empirical Studies. ninth period. 61-91, [in Persian].
- Blazey, P., Ashiabor, H., & Janu, P. (2008). Stakeholder expectations for generic skills in accounting graduates: Curriculum mapping and implications for change. *Macquarie Law WP 2008, 13*.
- Dehghan dehnavi,H. & Mahmood,M. & Saba,N.(2012). "*Determining components of accounting knowledge and skills in the new business environment with a structural equation modeling approach*". Tenth National Congress of Accountants, Al-Zahra University, 21-38 [in Persian].
- Lin, Z. J., Xiong, X., & Liu, M. (2005). Knowledge base and skill development in accounting education: Evidence from China. *Journal of Accounting Education, 23*(3), 149-169.
- Mojtahedzadeh,V. & Alawi Tabari,H. (2010). "*Knowledge and skills required for graduates of undergraduate studies from the perspective of academics, practitioners profession*". Journal of Accounting, 73-81[in Persian].
- Mashayekhi,B. & Noravesh,I.(2005). *Educational needs and priorities of management accounting: the perceptual gap between academics and practitioners in the profession*. Review of Accounting and Auditing, 12(41), 133-161[Persian].
- Nonahalnahr, A& Mohammadzadeh Salteh, H& Hamdollahi, K. (2014). "Assessing the impact of accounting education (academic education and periodic experiences) and experience on professional judgment of auditors". Experimental Accounting Research. [in Persian].
- Noravesh,I. & Rostamyan,F. & Dadgar, SH.(2012). "*Effectiveness of Accounting Education MA*".Tenth National Congress of Accountants, Al-Zahra University, 186-198[in Persian].
- Noravesh,I.(2003). The process of reviewing the curriculum and offer a new program for undergraduate accounting majors. Journal of Accounting, (190), 29-37[Persian].

- Novin, A. M., Pearson, M. A., & Senge, S. V. (1990). Improving the curriculum for aspiring management accountants: The practitioner's point of view. *Journal of Accounting Education*, 8(2), 207-224.
- Paisey, C., & Paisey, N. J. (2010, June). Developing skills via work placements in accounting: Student and employer views. In *Accounting forum* (Vol. 34, No. 2, pp. 89-108). Elsevier.
- Rezaie, M. (2017). "Accounting training". Second Conference on Management, Economics and Accounting.
- Rezai, N. & Ghorbani, A. A. (2012). "Future Accounting Education: Opportunities and Threats". Tenth National Congress of Accountants, Al-Zahra University, 55-84 [in Persian].
- Ragothaman, S., Lavin, A., & Davies, T. (2007). Perceptions of Accounting Practitioners and Educators on E-Business Curriculum and Web Security Issues. *College student journal*, 41(1).
- Sugahara, S., & Lau, D. (2018). The effect of game-based learning as the experiential learning tool for business and accounting training: A study of Management Game. *Journal of Education for Business*, 1-9.
- Salehi, M & Nasirzadeh, F & Rostami, V. (2014). "The challenges of accounting education in Iran through the number of practitioners and university references". *Audit Knowledge Magazine*. [in Persian].
- Setaysh, M. H. & Mansouri, S. H. (2012). "Explore ways to create alignment between the content of accounting with the requirements of the business environment". *Empirical Studies of Financial Accounting*, 10(33), 19-33 [in Persian].
- Tan, Samuel T. September (2012). The Impact of Accounting Education and Moral Reasoning on Professional Judgement : the Case of Charity Disclosures. 1-46.
- Vakilifard, H. & Rahnamay Roodposhti, F. (2012). "Determining priorities and training needs of the course in accounting from the perspective of students, professors and practitioners in providing professional and effective manner". Thesis [in Persian].
- Wang, Q., Liu, D., & Qin, S. (2018, June). Innovation and Practice of Applied Accounting Talents Training Mode in Local Colleges and Universities Based on Supply-Side Reform--Taking Shenyang Jianzhu University as an Example. In *2018 2nd International Conference on Education, Economics and Management Research (ICEEMR 2018)*. Atlantis Press.
- Yang, L. H., Zhang, C., & Liang, X. T. (2018, May). Research on Reform and Innovation of Accounting Manual Training. In *4th Annual International Conference on Management, Economics and Social Development (ICMESD 2018)*. Atlantis Press.
- Zhang, Y. (2018). Model Innovation and Teaching Effect Evaluation of Accounting Teaching in Higher Vocational Colleges in the Era of Big Data. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 18(6).